

در محکوم کردن کشتار وحشیانه مجاهدین در اشرف

مهرداد درویش پور



بار دیگر کشتار مجاهدین در اشرف را برغم مخالفت های جدی ام با سیاست های آن سازمان به شدت محکوم می کنم. باید فشار بین المللی برای شناسایی عاملان و مجازات این جنایت جنگی را افزایش داد. سکوت ما در برابر آن همچون سکوت در برابر هر خشونت و جنایتی تنها عاملان آن را به ادامه این رویه تشویق می کند.

مشاهده دلخراش صحنه قتل فجیع ده ها مجاهد بدون اسلحه و بدون قدرت دفاع از خود که برخی از آن ها دست بسته به قتل رسیدند، نشان از سرنوشت تاسف بار قربانیان حملاتی دارد که حتی از منظر قوانین جنگی نیز جنایت جنگی محسوب می شود. باید به رغم هر موضع انتقادی و یا مخالفت عمیق با سازمان مجاهدین این کشتار را به شدت محکوم کرد. مسئول مستقیم این فاجعه دولت مالکی و سردمداران رژیم جمهوری اسلامی ایران اند که نشان می دهند خیال ندارند تغییری در سیاست های خود ایجاد کنند. اطلاعیه سپاه پاسداران به روشنی نشانگر نقش مستقیم و یا غیر مستقیم این ارگان و رژیم در سازماندهی این عملیات وحشیانه است که در بیست و پنجمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی با قدرت نمایی در نابود ساختن مخالفان خود صورت گرفته و در پی آن است که اهداف چنگانه ای را پیش برد؛ هم مواضع خود را در باره آن جنایات بزرگ بار دیگر روشن سازد؛ هم مخالفان را مرعوب توان و بیرحمی امروز خود سازد؛ هم به غرب و امریکا پیام دهد که قدرت جمهوری اسلامی در ورای مرزهای آن قادر به عملیات تروریستی است و هم از این رو آنها در باره حمله نظامی به سوریه خویشتندار باشند؛ هم به کسانی که در داخل امید بسته اند با انتخاب روحانی فضا به تدریج لیبرالیزه شود پیام دهد که افراط گرایان و خشونت طلبان هوادار رهبر همچنان حرف آخر را می زنند؛ و بالاخره با پلاریزه کردن فضای سیاسی عرصه را بر هر تلاشی به منظور تعامل در عرصه داخلی و بین المللی تنگ سازند.

در این راستا مجاهدین باقی مانده در کمپ اشرف با تداوم حضور بی ثمر و پر مخاطره خود تنها ضعیف ترین و مناسب ترین حلقه برای این تعرض لجام گسیخته جمهوری اسلامی و دولت مالکی در عراق بودند که قربانی این خشونت و حشیانه شدند.

تاسف می خورم به حال قربانیان این جنایت و سرنوشت رقت بار مردم ایران و خاورمیانه که چنان دراماتیک شده است که گویی مرگ و نیستی به کسب و کار روزمره آن منطقه بدل شده است. سرنوشت افغانستان، لیبی، مصر، سوریه، عراق، فلسطین، لبنان و دیگر کشورهای منطقه و حتی و وضعیت پر مخاطره و دشوار مردم در ایران چه امیدی به دنیای بهتر باقی گذاشته است؟ ترورها و اعدام های دسته جمعی در زندان، در خیابان و در دوردست ها؛ جنگ های داخلی بی فرجام؛ قدرت گرفتن نظامی گری و یکتا تازی دیکتاتوری هایی که با سرکوب خونین و کشتن مخالفان، خود را به جامعه تحمیل کنند؛ به خون کشیده شدن مردم بی دفاع در کوچه و بازار و حتی در خانه ها و قرارگاه های خود که آنجا نیز از سوداگران مرگ در امان نیستند؛ کشتار دسته جمعی مردم با استفاده از سلاح های شمیایی توسط دولت های که ظاهرا باید پاسدار شهروندان خود باشند و یا شبه اپوزیسیونی که ظاهرا برای آزادی آنها می جنگند؛ سپرده شدن به دست جوخه های مرگ توسط گروه های افراطی تروریستی اسلامی که آنان نیز نشان داده اند بیرحمانه قادرند از کشته پشته بسازند؛ قربانی دیکتاتورهای ریز و درشت داخلی و جنگ افروزان خارجی شدن که با لشکر کشی و بمباران، مدعی پیام آوران "آزادی" و "امنیت" برای مردم اند؛ و بالاخر شرایط طاقت فرسا و رقت انگیز میلیونها انسان در خاورمیانه که فلاکت گویی تنها سهم این جان بدربرندگان از جهان تا به امروز است؛ و...گویا این همه فرجامی تلخی است که سرنوشت و آینده این منطقه را رقم زده است و چشم اندازی بر پایان آن در دوردست نیست. سرنوشت تلخی که بسیاری از قدرت های فائقه چندان از آن ناخرسند نیستند. تا می آئیم برای تولید امید و تقویت روحیه خودمان هم که شده، اندکی اکسیر خوش بینی نسبت به "بهار عربی" و یا تحول در گوشه ای از خاورمیانه و از جمله در ایران به خود تزریق کنیم، واقعیت تلخ و بیرحم سیلی محکمی به صورتمان می نوازد تا از توهم به در آئیم و بدانیم در کجا ایستاده ایم و سرنوشت مان چیست! با این همه باری؛ چاره ای نداریم جز تداوم مبارزه و اعتراض. تنها باید با صدای بلند به این جنایات اعتراض کرد و در برابر آن شانه بالا نینداخت.

بار دیگر کشتار مجاهدین در اشرف را برغم مخالفت های جدی ام با

سیاست های آن سازمان به شدت محکوم می کنم. باید فشار بین المللی برای شناسایی عاملان و مجازات این جنایت جنگی را افزایش داد. سکوت ما در برابر آن همچون سکوت در برابر هر خشونت و جنایتی تنها عاملان آن را به ادامه این رویه تشویق می کند.